

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۴۴

ایسکرا

تلفن تماس با ما Tel:0046720077654

۱۹ شهریور ۱۳۹۳، ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۴

سردبیر عبدال کلپریان

ناسیونالیسم کرد از شعار استقلال کردستان تا شرکت در حکومت بغداد

خطاب به امید کریمیان نماینده مزدور مجلس شورای اسلامی از مروان جمهوری اسلامی داعش اسلام سیاسی در ایران



محمد آسگران

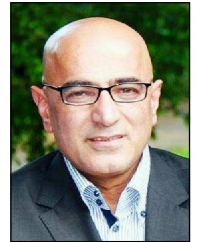
روز ۹ سپتامبر ۲۰۱۴ نمایندگان پنج حزب پارلمانی کردستان عراق و نماینده آمریکا و سازمان ملل در مقر جریان گوران (تغییر) در سلیمانیه به ریاست نوشیروان مصطفی، تصمیم گرفتند اقلیم کردستان بخشی از حکومت بغداد باشد. چند ساعت بعد از این جلسه در پارلمان عراق به کابینه حیدر عبادی که مورد حمایت جمهوری اسلامی و

صفحه ۲

حکومت کثیف و انسان کش جمهوری اسلامی به ثروت و مال و داراییهای فرعونیه رسیده اند.

اینها دلسوز مردم نیستند. مردم در شهرهای کردستان در ایران با راه اندازی کمپین حمایت از مردم آواره در کردستان عراق و سوریه الگوهایی شگفت انگیز از حمایت و دلسوزی با مردم آواره شنگال را به نمایش گذاشتند. ابتکارات مردم در شهرها و بریایی چادرهای جمع آوری کمک به مردم شنگال بشکل گسترده در چندین شهر و مراکز و روستاها در چند هفته گذشته همبستگی مردم را در ابعادی میلیونی تحکیم و قلب میلیونها انسان متنفر از اسلام سیاسی را بهم نزدیک و قفل کرد. درست در گرما گرم حمایتهای مردم از مردم شنگال این نظام جنایتکار اسلامی بود که در راه و مسیر حرکت مردم در شهرها با بکارگیری مزاحمتهای پلیسی و امنیتی کردن مراکز جمع آوری کمک به مردم شنگال ممانعت ایجاد کرد. در تعدادی از شهرها از جمله سردشت حسابهای بانکی کمک

صفحه ۲



نسان نودینیان

اخیرا تعدادی مزدور و سرمایه دار پرو جمهوری اسلامی با مستمسک جنایات دولت اسلامی «داعش» از رژیم اسلامی و جنایتکار، چهره «تجات بخش» میخواهند به مردم بدهند. امید کریمیان مزدور نماینده مریوان و سروآباد در مجلس شورای اسلامی در نامه ای خواستار اقدام فوری ایران (جمهوری اسلامی) کمک به مردم در شمال عراق شد.

پیام و تحیات و صلوات امید کریمیان به جمهوری اسلامی بمنظور چاپلوسی و سهم خواهی و اشتراک در دزدی های مزدوران جمهوری اسلامی در شهر مرزی مروان است. این قبیل افراد کم نیستند و در سایه

نگاه هفته: مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان نسان نودینیان - نسرین رمضانعلی

صفحه ۴



اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق

تهیه و تنظیم: یدی محمودی

yadi.mahmudi@gmail.com

صفحه ۵

برگی از تاریخ / «هیئت نمایندگی خلق کرد»، نقش سازمانهای سیاسی و تحنن یکماهه مردم سنندج برای خروج ارتش و سپاه از شهر / عبدال کلپریان

صفحه ۳

صفحه ۶

چرا باید بمیرم؟ / سحر مهابادی



امید کریمیان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

ناسیونالیسم کرد...۱

گفتند استقلال، بعد گفتند به شرطی در حکومت شرکت میکنند که در رابطه با مناطق مورد مناقشه که معروف است به مناطقی که ماده ۱۴۰ قانون عراق شامل آن میشود باید توافق بشود. از این هم عقب نشستند و گفتند بودجه ۸ ماه گذشته که حکومت بغداد آنرا پرداخت نکرده است باید پرداخت شود.

از این هم عقب نشستند و گفتند فقط دو ماهش را باید پرداخت کنند. نهایتاً در آخرین جلسه ۹ سپتامبر در سلیمانیه همه موارد فوق کنار گذاشته شدند و به دستور آمریکا روانه بغداد گردیدند. این پرونده ناسیونالیسم کرد است. اگر کسی بخواهد این پرونده سیاه را توجیه کند فقط جایگاه سیاسی و جنبشی خودش را عیان میکند و حقارت خودش را تاکید میکند. ناسیونالیسم کرد يك بار دیگر نشان داد تا مع استخوان در ضدیت با منافع مردم کردستان قرار دارد. ناسیونالیسم کرد حتی در اوج قدرتش هم بی شهامت و بی جسارت است. اینبار هم باز به دستور آمریکا ناچار شد سر سپردگی خودش را امضا کند.

این تصمیم يك بار دیگر نشان داد که ناسیونالیسم کرد مانع اصلی استقلال کردستان عراق است. بر خلاف کوتاه نظرانی که فکر میکردند چون مسعود بارزانی پرچمدار استقلال کردستان شده است نباید از آن دفاع کرد، اکنون باید متوجه شده باشند که مسعود بارزانی و دیگر ناسیونالیستهای کرد، طرح بحث

استقلال کردستان را نه برای استقلال و حل مسئله کرد، بلکه برای سهم خواهی بیشتر در مقابل رقبا خود در عراق طرح کرد.

ناسیونالیستهای کرد که چند ماهی گر گرفته بودند و خود را پرچمدار استقلال کردستان میدانستند، اکنون سرشان را پایین انداخته و با تبعیت از سیاستهای آمریکا و جمهوری اسلامی به بخشی از حکومت مذهبی و قومی بغداد تبدیل شده اند. جالب این است که شرمساری برای رهبران و فعالین این جنبش معنی و مفهوم خود را از دست داده است.

ما این جنبش و اهدافش را خوب میشناسیم و میدانستیم که طرح استقلال کردستان از جانب آنها هر قدر آرزوی درونیشان باشد، شهامت و جسارت اجرای چنین طرح و سیاستی را ندارند. میدانستیم که سهم پول و ثروت برای آنها تعیین میکند که کجا بایستند. میدانستیم که آنها تابع سیاست آمریکا و دولتهای منطقه هستند. به همین دلیل طرح استقلال کردستان عراق از جانب مسعود بارزانی را معیار و مبنای سیاست قرار ندادیم و جدی نگرفتم. چپهایی که اینرا معیار خود قرار دادند، اکنون باید بروند سیاست دیگر را اتخاذ کنند. احتمالاً بعد از این اتفاقات این چپ دوباره به دفاع از استقلال کردستان نزدیک میشوند و یا شرم گینانه سکوت خواهد کرد.

چپها و کمونیستهایی که حرف و سیاست ناسیونالیستها را نشناختند

و تحلیل درستی از تحولات سیاسی عراق نداشتند، فکر میکردند دفاع بارزانی از استقلال کردستان جدی است و همین باعث شد که آنها به بهانه "مخالفت با ناسیونالیسم کرد" از طرح استقلال کردستان فاصله بگیرند. گفتند که استقلال کردستان باعث میشود ناسیونالیسم کرد در کردستان به دیکتاتور تبدیل بشود. اگر استدلال آنها را بپذیریم باید شرکت در حکومت بغداد را به نفع مردم ارزایی بکنیم. اما معلوم است این سیاست نیست مایخولیا است. گفتند با استقلال کردستان مردم با جنگ مواجه میشوند. اکنون باید این چپ متوجه بشود که با وصل شدن کردستان به حکومت بغداد، عملاً مردم کردستان را به بخشی از جنگ مذهبی تبدیل میکنند. همین چپها هم مثل ناسیونالیستها باید سرشان را پایین بیندازند و به فکر توجیه سیاست دیروزشان باشند.

ما از سال ۹۵ میلادی که سیاست استقلال کردستان را طرح کردیم تا کنون بارها تاکید کرده ایم که مانع اجرای این سیاست در درجه اول همین احزاب ناسیونالیست کرد هستند. ما همچنان طرح و تلاش برای استقلال کردستان عراق را راه رهایی مردم از جنگ قومی، مذهبی و در جهت منافع این مردم میدانیم.

البته در میان چپها ورژن سنتی و شناخته شده دیگری را هم دیدیم که استدلال اتحادیه میهنی برای موانع استقلال کردستان را تحت عنوان سیاست چپ به خورد مردم میداد. آنها سیاستشان همین بود که اکنون اتحادیه میهنی آنرا اجرا کرده است. الحق که آنها در ادامه

از صفحه ۱

خطاب به امید کریمیان...۱

رسانی را مسدود کرد و در برخی دیگر از شهرها از جمله سنندج تعدادی از فعالین این کمپین را دستگیر و تهدید کرد.

امید کریمیان و امام جمعه ها و شورای شهرها و نهادهای وابسته به نظام جمهوری اسلامی باید این درس بزرگ را از مردم یاد بگیرند که در بیش از سی سال گذشته جمهوری اسلامی روی دریایی از تنفر و اعتراض و ناراضیاتی توانسته حاکمیت سیاه و پر از جنایتش را ادامه دهد. باید بدانند که جمهوری اسلامی دوست مردم کردستان در ایران و عراق نیست. در این نظام

سیاستشان مشکلی نخواهند داشت. زیرا با همان زبان و ادبیات اتحادیه میهنی گفتند استقلال کردستان آرزوی مردم کردستان است اما امروز عملی نیست. گفتند اقتصاد کردستان فقط اقتصادی نفتی است و آنهم راه فروش ندارد، پس باید بخشی از حکومت بغداد بماند. من انتظار دیگری از این نوع چپ ندارم. زیرا راه حلی بجز راه حل ناسیونالیستها را نمایندگی نمیکند.

اما چپی که خود را يك دوره مدافع سیاست استقلال کردستان میدانست و به بهانه اینکه بعد از استقلال کردستان در این دوره ناسیونالیستها قدرت خواهند شد، از سیاست خود عقب نشست. ظاهراً این چپ در سالهای گذشته که خود را مدافع طرح استقلال کردستان نشان میداد در این توهم بسر برده

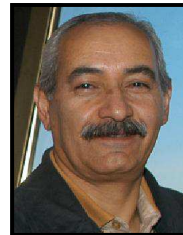
است که اگر کردستان آن زمان مستقل میشد حکومت دست کمونیستها می افتاد. خیلی صریح و بدون اما و اگر به این نوع چپ میگویم اگر شما از نتایج استقلال کردستان میخواستید به مدینه فاضله برسید، هم قبلاً و هم امروز در توهم زندگی کردید. این نوع کمونیسم، سنتی و ذهنی است. سیاسی نیست. نشان داد که کمتر سیاسی و بیشتر ایدئولوژیک و فرقه ای است. نشان دادن نمیتوانند و نمیتوانند به گودی استخر سیاست عطفها را میشناسد و نه سیاست قوی شدن و قدرت شدن در ناسیه آنها نوشته شده است. آیا واقعا این چپ یاد خواهد گرفت که کمی تعمق کند. باید دید.*

حزب کمونیست کارگری نماینده آرزوها و خواستهای پایمال شده مردم محروم است.

حزب کمونیست کارگری حزب میلیونها کارگری است که کار میکنند و خود از نعماتی که خود ساخته اند محرومند! حزب کمونیست کارگری صدای همه مردمی است که آرزوهای ساده و انسانی شان سرکوب شده است! این حزب صدای میلیونها کارگر و جوان و بیکاری است که بازار سرمایه آنها را واژده است و اسیر بیکاری و فقر و محرومیت شده اند. صدای کودکان محروم شده از شادی و تحصیل، صدای زنانی که فقر و محرومیت آنها را به تن فروشی ناچار میکنند، صدای جوانانی که در اوان زندگی از شادی و رفاه و آزادی محروم میشوند. صدای آنهایی که اعدام شده اند و دیگر صدایی ندارند!

به حزب کمونیست کارگری ببینید. دست در دست هم جامعه ای بسازیم که در آن اعدام و زندان معنایی نخواهد داشت. هیچ کس از تحصیل و مسکن و دارو و درمان محروم نخواهد بود. آزادی بی قید و شرط است و همه مردم از طریق شوراهایشان قانون گزار و تصمیم گیرنده و اختیار دار جامعه خواهند بود. جامعه سوسیالیستی! که به تاریخ توحش و بهره کشی و جنایت و سرکوب اقلیت مفتخور مهر پایان خواهد کوبید!

برگی از تاریخ "هیئت نمایندگی خلق کرد"، نقش سازمانهای سیاسی و تحصن یکماهه مردم سنندج برای خروج ارتش و سپاه از شهر



عبدل کلپریان

سیر ادامه وقایع از تصرف مجدد شهرها در مهر و آبان ماه سال ۵۸ توسط نیروهای سیاسی مسلح و عقب نشینی ارتش و سپاه پاسداران تا مقطع جنگ ۲۴ روزه سنندج، بمدت ۵ ماه، فعل و انفعالات این هیئت را میتوان اینگونه اشاره کرد: تشکیل هیئت نمایندگی خلق کرد مرکب از سازمان کومه له، حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق و عزالدین حسینی بود. این هیئت بارها با نمایندگان دولت موقت به مذاکره نشست. هیئت نمایندگی از سیاست واحد و یکدستی برخوردار نبود. سازمان کومه له در این هیئت مواضع چپ و رادیکالی را نمایندگی میکرد.

حزب دمکرات کردستان ایران مدام در تلاش برای تماس و مذاکره تک روانه و خارج از این هیئت با نمایندگان دولت موقت و خمینی بود. سازمان چریکها در مواردی همسویی خود با کومه له را نشان میداد که این همسویی با توجه به سیر وقایع بعضا به سیاستهای حزب دمکرات خود را نزدیک نشان میداد.

روند وقایع و روی دادهها بگونه ای بود که احزاب و سازمانهای سیاسی مسلح و دخیل در آن، بر روی مواضع خود پافشاری میکردند. سازمان کومه له توهمی به حکومت تازه بقدرت رسیده خمینی نداشت اما در عوض حزب دمکرات خمینی را رهبر انقلاب میدانست و او را امام خمینی خطاب میکرد. علت این امر به افق و سیاستهای حزب دمکرات بر میگشت که با تمام توان در تلاش بود توجه خمینی و دولت موقت او را

بسوی خود جلب کند تا با گرفتن چراغ سبز از سوی آنان، خود را بیکه تاز میدان در کردستان نشان دهد.

در این دوران شهرهای کردستان عملا از حیطه کنترل کامل دولت موقت و حکومت تازه بقدرت رسیده اسلامی خارج بود. در برخی از شهرها پادگانها کماکان در اختیار ارتش و سپاه پاسداران بود که هر بار به بهانه ای تقویت و جابجایی نیروهای داخل مراکز نظامی، تنش هایی را ایجاد میکرد. حزب دمکرات کردستان ایران برای بار دوم و در توافق با ارتش کوشید ستون نظامی اعزامی از ارومیه به مهاباد بدون دردرس وارد این شهر شود. بار اول نیز همین سیاست را برای اسکورت ستون ارتش که میخواست از مسیر کامیاران وارد مریوان شود را بر عهده گرفت که هر بار با مخالفت سازمان کومه له و اعتراض مردم این مناطق روبرو شد.

حزب دمکرات مدام با هر گونه تظاهراتی از سوی مردم و نیروهای سیاسی دیگر علیه سخنان خمینی و دولت موقت او در رابطه با کردستان مخالفت میکرد. علاوه بر حزب دمکرات حزب توده نیز که از همان اوایل خمینی را ضد امپریالیست میدانست، با هر گونه اعتراض و تظاهراتی مخالفت و علیه مردم و سازمانهای سیاسی مدام پشت سر هم اطلاعیه صادر میکرد. حزب توده تداوم انقلاب مردم را که در شهرهای کردستان تبلور پیدا کرده بود تحت عنوان "حرکات ضد انقلاب" نام میبرد و از همان ابتدا در خدمت جمهوری اسلامی و علیه ادامه انقلاب مردم ایستاد.

در کنار این وضعیت، شوراها محلات، بنکها، جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب و نهادهای توده ای در امر اداره امور شهر، نقش مهمی را ایفا میکردند. از سوی دیگر حضور نیروهای مسلح سازمانهای سیاسی بعنوان بازوی نظامی مردم، این امکان را فراهم کرده بود که ارتش و سپاه پاسداران مستقیما نتوانند علیه مردم

مزاحمت ایجاد کنند.

علیرغم این اوضاع هر از چند گاهی مزاحمت و تیراندازی های عناصر سپاه در محل استقرارشان در داخل و خارج از شهر ها سبب میشد تا به بهانه های مختلف دست به ایجاد فضای نا امن بزنند. بر بستر ادامه این اذیت و آزارها و کنترل و بازرسی از خودروها و اقدام به دستگیری و بازداشت مردم، تنفر عمیقی از اقدامات نیروهای نظامی و سپاه در شهر سنندج روز بروز در حال گسترش بود و مردم در تظاهراتهایشان خواهان خروج ارتش و سپاه از شهرها بودند. در همین رابطه و در جریان یک درگیری بین نیروهای سپاه و افراد مسلح سازمانهای سیاسی، فضای تنش آلودی ایجاد شد که عامل تحریک این فضا نیروهای سپاه پاسداران بودند. این تقلها برای ایجاد و فراهم ساختن شرایط جنگی و تحمیل جنگ به مردم کردستان صورت میگرفت.

برای پایان دادن به این وضع در اواسط دی ماه ۵۸ و با اصرار و هدایت سازمان کومه له در سنندج، تحصن یک ماهه ای از سوی مردم و به منظور خروج نیروهای نظامی سپاه و ارتش از شهر فراخوان داده شد. این تحصن در دو نقطه صورت گرفت. یکی در محل استانداری و دیگری در مسجد جامع سنندج برگزار شد. در مدت زمان تحصن که یک ماه بطول انجامید تمامی بخشهای مختلف مردم شهر سنندج از کارگران و کارمندان گرفته تا بازاریان و دانش آموزان از این حرکت حمایت کردند. از شهرها و روستاهای دیگر کردستان سیل حمایتها هر روز گسترده تر میشد. از آنجا که تمامی مردم شهر برای حمایت از این تحصن که خواست اصلی آن خروج ارتش و سپاه از شهر بود و در حالت تعطیل بسر میبرد، کمکهای تدارکاتی زیادی و انتقال این کمکها با کامیون از شهرهای مختلف بطرف سنندج سرازیر میشد.



و بسویش تیراندازی کنند. یکی از خواستهای مردم شهر و متحصنین تخلیه کامل این محل بود. بالاخره در اواسط بهمن ماه ۵۸ و بعد از یک ماه تلاش و مبارزه مردم سنندج و با حمایت وسیع و گسترده مردم شهر ها و روستاهای کردستان و از سوی دیگر وحشت و نگرانی خمینی و مقامات دولت موقت او، این تحصن نتیجه داد و در آخرین مذاکرات بین نمایندگان مردم و هیئت نمایندگی خلق کرد با نمایندگان دولت موقت، قرار شد باشگاه افسران از سپاه و ارتش تخلیه و این نیروها به پادگان سنندج منتقل شوند. این انتقال از طریق هوایی با استفاده از هلیکوپتر صورت گرفت و مردم مبارز سنندج بعد از یکماه تلاش بی وقفه در سرمای زمستان پیروزی خود را جشن گرفتند.

(از کتاب تاریخ یکدوره)

چندین دور مذاکره از سوی نمایندگان منتخب متحصنین و فرستادگان دولت موقت انجام گرفت. حزب دمکرات کردستان ایران عملا و با صدور اطلاعیه در مقابل تحصن مردم سنندج ظاهر شد و در اطلاعیه هایی که منتشر میساخت، خود را از این حرکت میرا و آترا حرنکی از سوی "اخلال گران" معرفی میکرد. همزمان نیز در تلاش بود که بتنهایی با نمایندگان دولت موقت وارد گفتگو و مذاکره شود. در این اطلاعیه ها هر بار قبول رهبری خمینی را بعنوان رهبر انقلاب تاکید میکرد.

باشگاه افسران که در وسط شهر سنندج و در یک مکان مرتفع و استراتژیک قرار داشت، مرکز تجمع نیروهای سپاه و ارتش بود. این مکان تا حدود زیادی بر چهار طرف شهر مسلط بود و نیروهای مستقر در آنجا میتوانستند هر جنبنده ای را در اطراف و اکناف زیر نظر گرفته

**اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.**

نگاه هفته



کارگران کولبر

۱۸ شهریور: رامیار ابراهیمی اهل روستای "بیژوه" از توابع شهر سردشت توسط نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران هدف تیراندازی قرار گرفت. گلوله به ناحیه سر رامیار اصابت کرده و به همین دلیل به یکی از مراکز درمانی شهر ارومیه انتقال یافته است.

تیراندازی نیروهای نظامی

۱۷ شهریور: آرش خدامرادی اهل روستای دولت آباد کرمانشاه بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران جان خود را از دست داد. آرش خدامرادی در خودروی خود در نزدیکی روستای "زالواب" از توابع شهرستان روانسر هدف تیراندازی نیروهای نظامی قرار گرفته است.

اجتماعی

۱۷ شهریور: نمایش خیابانی "فرهاد بهبود یافته" به نویسندگی و کارگردانی حیدر رضایی مورد استقبال مردم شهرستان دهلران قرار گرفت. در این نمایش خیابانی که با "استقبال گسترده" مردم روبرو گردیده، "مالک آبسالان" و "مرجان قاسمی" به ایفای نقش پرداختند. کارگردان "فرهاد بهبود یافته" در گفتگو با ایرنا هدف از اجرای این نمایش را ایجاد روحیه شاد و همدردی با مردم زلزله زده شهرستان دهلران عنوان کرده است.

۱۸ شهریور: به گزارش ایرنا در سنندج، آثار هنری با استفاده از مواد ترکیبی ابداعی جهت بافت زمینه و برجسته کردن طرح‌های رنگی از اکولین و رنگ پلاستیک مورد نظر ساخته شده است. الناز

وضعیت اقتصادی مصدومان شیمیایی در شهر سردشت به ویژه در روستاهای نظیر "رش هرمه" و اطراف آن بسیار نامناسب است!

۱۵ شهریور: یک تیم ۴۲ نفره پزشکی متشکل از متخصصان ریه، چشم، قلب، پوست، گوش و حلق و بینی، روماتولوژی، زنان، فعالیت فیزیکی و آزمایشگاهی برای معاینه مصدومان شیمیایی به شهر سردشت اعزام گردی و قرار است ۵۰۰ مصدوم و همچنین ۲۰۰ معلول شیمیایی را معاینه کنند. تعیین این تعداد از مصدومان شیمیایی شهر سردشت برای معاینه در حالی است که بیش از ۸ هزار مصدوم و معلول شیمیایی در این شهر وجود دارد که نهادهای حکومتی تنها اسامی ۱۵۰ نفر را به عنوان مصدوم شیمیایی ثبت کرده‌اند. تیم پزشکی، تنها گزارشی از وضعیت سلامت جسمانی مصدومان شیمیایی سردشت برای وزارت بهداشت تهیه و در آینده برای آنها داروهای مورد نیاز تامین می‌گردد. همچنین طی سال‌های گذشته نیز انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی شهر سردشت، خواسته‌ای مشابه را از مسئولان حکومتی کرده بود، اما هیچ پاسخی به خواسته آنها نداده اند. به گفته مسئولان انجمن دفاع از حقوق مصدومین شیمیایی شهر سردشت، وضعیت اقتصادی مصدومان شیمیایی در شهر سردشت به ویژه در روستاهایی نظیر "رش هرمه" و اطراف آن بسیار نامناسب و طی سال‌های اخیر مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. شهر سردشت در هفتم تیرماه ۶۶ توسط هواپیماهای رژیم صدام حسین بمباران شیمیایی شد و در کمتر از یک‌ماه پس از این بمباران شیمیایی ۱۴۰ نفر جان خود را از دست دادند.

نبود امکانات و بی‌توجهی مسئولین بهداری زندان مریوان عنوان می‌کند.

۸ شهریور: شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر ارومیه، حکم ۴ ماه زندان تعزیری برای مسعود شمس‌نژاد را تایید کرد، بخش اجرای احکام دادگاه این شهر حکم دستور جلب مسعود شمس‌نژاد را صادر که باید وی بازداشت و به زندان منتقل شود.

۸ شهریور: صلاح‌الدین نادری فعال حقوق کودکان و دانشجوی دانشگاه باهنر کرمان و مسئول سایت کودک نیوز از سوی اداره اطلاعات کرمان و قروه مورد تهدید قرار گرفته است.

جنگ، بمباران شیمیایی و تلفات مین گذاری

۱۶ شهریور: شیرزاد حشمتیان بر اثر انفجار ناشی از مین بجای مانده از دوران جنگ هشت ساله در شهر قصرشیرین زخمی شد.

۲ شهریور: حبیب صادقی‌نژاد در نتیجه انفجار مین در ارتفاعات "قلاویزان" در شهر مهران از ناحیه پا به شدت زخمی شد. حبیب صادقی‌نژاد مین‌روب بوده که در یکی از میدان‌های مین ارتفاعات قلاویزان در مرز میان ایران و عراق دچار این حادثه شده است.

تخریب خانه باغها

شماری از خانه باغ کشاورزان در اطراف جاده قدیمی مریوان - سنندج در حدفاصله روستای "سرزه" توسط اداره اماکن و پاسگاه آرنان تخریب گردیدند. نیروهای انتظامی در باغ‌های روستای آرنان درحال گشت‌زنی بودند و خانه باغ ساکنین روستا را با استفاده از لودر تخریب می‌کردند. ماموران اماکن و پاسگاه آرنان به کشاورزان و باغداران اعلام کردند، "برای ساخت خانه باغ باید از بنیاد مسکن و اداره اماکن مجوز ساخت و ساز اخذ کنند." بنیاد مسکن برای دادن مجوز ساخت خانه باغ، برای هر متر مربع ۱۵ هزار تومان وجه نقد از باغداران دریافت می‌کند.

کارگران

کارگران فولاد زاگرس در پی تسلیم شکایت به دیوان عدالت اعلام کردند هر جا که لازم باشد دست به اعتراض و داد خواهی خواهند زد

در پی صدور رای اخراج کارگران فولاد زاگرس توسط هیاتهای تشخیص و حل اختلاف قروه که با تمسک به صرف انحلال شرکت صورت گرفته است این کارگران پس از تجمع در مقابل مجلس شورای اسلامی در روزهای ۱۸ و ۱۹ مرداد ماه و قول مسئولین مجلس برای پیگیری خواست هایشان، صبح دیروز با ارائه دادخواستی به شعبه دیوان عدالت اداری در شهر سنندج از شرکت فولاد زاگرس و اداره کار شهرستان قروه شکایت کردند. این شکایت از آن رو مطرح شده است که هیاتهای تشخیص و سپس حل اختلاف اداره کار شهرستان قروه در همسویی با تبانی مسئولین وزارت کار با کارفرما و بر خلاف مقررات قانونی جاری کشور به "صرف انحلال شرکت فولاد زاگرس" حکم اخراج همه کارگران این کارخانه را در روز ۲۲ مرداد ماه گذشته به آنان ابلاغ کرد.

صدور این رای ضد کارگری در شرایطی صورت گرفته است که کارفرما در نامه خود به اداره کار مبنی بر اخراج کارگران، زیان انباشته و عدم امکان ادامه تولید را به عنوان ادله های انحلال شرکت مطرح کرده بود اما علیرغم ادعای زیان انباشته و عدم امکان ادامه تولید از سوی کارفرما، هیاتهای تشخیص و حل اختلاف اداره کار قروه در آرا خود بدون اشاره به احراز یا عدم احراز چنین ادعاهایی از سوی کارفرما که میتواند مبنای قانونی اخراج یا عدم اخراج کارگران قرار بگیرد به "صرف انحلال شرکت" رای به قطع رابطه کاری کارگران فولاد زاگرس با کارفرما دادند.

این رویکرد ضد کارگری بدین دلیل از سوی این هیاتها اتخاذ شده است که آنان در آرا سال گذشته خود، موضوع زیان انباشته شرکت و ورشکستگی شرکت را که مورد ادعای کارفرما بود بررسی کرده

نگاه هفته

وزارتخانه و کارفرما صورت گرفته بود) رای خود را مبنی بر اخراج کارگران این شرکت به صرف انحلال آن، صادر کردند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران شرکت فولاد زاگرس دیروز با تسلیم دادخواست خود به شعبه دیوان عدالت در شهرستان سنندج، اعلام کردند تا تحقق حقوق قانونی و

بودند و بدلیل عدم احراز اینگونه ادعاها از سوی کارفرما رای به بازگشت بکار کارگران شرکت فولاد زاگرس داده بودند به همین دلیل این هیاتها در آرا جدید خود با درز گرفتن اینگونه ادعاها از سوی کارفرما (با هدف تحقق بخشیدن به خواست وزارت کار مبنی بر اخراج کارگران که در تبنای مسئولین این

اخبار هفتگی از ...

قانون و مقامات قضائی می دانند و به همین خاطر در بسیاری موارد رای دادگاهها بدون نتیجه می ماند و عملا پرونده ها به بایگانی سپرده میشوند. گزارش این مرکز می فزاید تعدادی از افراد مجرم که حکم بازداشت آنها صادر شده، بدلیل حمایت احزاب حاکم از آنها، دادگاهها توان تحقیق و بازداشت آنها را ندارند. لازم به ذکر است این تنها گزارش ثبت شده ای است که این مرکز آنرا پخش کرده، اما نقض حقوق بشر، ترور، شکنجه و بازداشت بی رویه شهروندان در اقلیم کردستان باید بسیار بیشتر از این موارد ثبت شده باشد، چرا که احزاب حاکم هر یک برای خود دم و دستگاههای مخفی و سرکوب دارند که در سالهای گذشته دهها نفر از مردم بی دفاع را تنها بدلیل مخالفت با سیاستهای احزاب حاکم را به قتل رسانده اند. همچنین نمونه برجسته دیگر نقض حقوق بشر، ترور و کشتار وحشیانه زنان است که در ۲۳ سال گذشته چند هزار زن قربانی ناموس پرستی و سنتهای عقب مانده و کثیف مذهبی شده اند که احزاب حاکم و دادگاههای اقلیم کمترین اقدامی برای جلوگیری از این کشتار و یا مجازات قاتلین را در دستور نگذاشته اند.

وزیر امور خارجه کانادا وارد اقلیم کردستان شد!

شب سوم آگوست جان بیرد، وزیر امور خارجه کانادا بعد از دیدار از بغداد وارد اقلیم کردستان شد و در یک کنفرانس خبری پیشیتبانی دولت کانادا از اقلیم کردستان در جنگ با داعش را اعلام کرد. جان بیرد در

قلب در باز نشست رهبران حزب دمکرات

بر اساس گزارشی از سایت ان ار تی، تنها در سال ۲۰۱۳ ده نفر از اعضای دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی با پست وزیر باز نشست شده اند، و این در حالی است که هیچکدام از این ده نفر هیچگاه وزیر نبوده اند و امروز هر کدام از آنها با حقوق شش میلیون دینار در ماه به کار حزبی مشغولند. همچنین این گزارش می فزاید که چندی پیش هم ۴۰۴ زن که بیشترشان از اعضا و کادرهای اتحادیه میهنی بوده اند با شغلها و سوابق گوناگون باز نشست می شوند و هم اکنون هم در ادارات حزبی اتحادیه میهنی مشغول بکارند. همچنین این گزارش اضافه می کند که نزدیک به ۱۰۰ هزار نفر از افراد وابسته به احزاب حاکم هم اکنون باز نشست هستند و از دولت حقوق دریافت می کنند. دزدی و چپاول احزاب حاکم و بویژه حزب دمکرات و اتحادیه میهنی در ۲۳ سال گذشته حاکمیتشان بر اقلیم کردستان زیانزد خاص و عام است و در این باره بارها مردم عاصی از وضع موجود به اینها و دزدی و چپاولشان اعتراض کرده اند.

نقض حقوق بشر در اقلیم کردستان!

بر اساس گزارش مرکز حمایت از دمکراسی و حقوق بشر، در سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳، ۹۲۹ مورد از نقض حقوق بشر ثبت شده. این گزارش اضافه می کند که، چندین مرکز وجود دارد که خود را بالاتر از

حقوق خود از پای نخواهند نشست و هر جا که لازم باشد دست به اعتراض و دادخواهی خواهند زد. اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۳

پایان اعتصاب غذای بهنام ابراهیم زاده

کارگران، تشکلهای کارگری، انسانهای شریف و آزاده! همانگونه که در اطلاعیههای قبلی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده اعلام کرده

این کنفرانس اعلام کرد که ۱۵ میلیون دلار را بعنوان همکاری انسانی به اقلیم کردستان اختصاص داده ایم و همچنین هفت میلیون دلار دیگر را برای کمک به آوارگان صرف خواهیم کرد.

کارکنان بیمارستانهای شهر سلیمانیه اعتصاب می کنند!

روز هفتم سپتامبر بخشی از کارکنان بیمارستانهای شهر سلیمانیه بدلیل به تاخیر افتادن حقوقشان دست به اعتصاب زدند. در این باره هاوژین عثمان رهبر اتحادیه کارکنان بیمارستانها در شهر سلیمانیه گفت، " ما از اعتصاب امروز بخشی از کارکنان بیمارستانها حمایت کردیم و فردا هشتم سپتامبر هم قرار است کلیه کارکنان بیمارستانهای شهر سلیمانیه برای یک ساعت دست از کار بکشند". لازم به ذکر است که بدلیل اختلافات دولت مرکزی عراق و حکومت اقلیم ماههست دولت مرکزی بوجه کارمندان دولت اقلیم را قطع کرده و حکومت اقلیم هم اکثر حقوق کارمندان دولت را با تاخیرهای طولانی پرداخت می کند که تا هم اکنون بارها مورد اعتراض قرار گرفته اند.

برای پنجمین بار جلسه انجمن شهر سلیمانیه به تعویق افتاد!

روز چهارم سپتامبر جلسه انجمن شهر سلیمانیه، بدلیل اختلاف بر سر تعیین شهردار برای پنجمین بار به تعویق افتاد و آنرا به ده روز دیگر موکول کردند. لازم به ذکر است که بعد از انتخابات شهرداریها در چند ماه گذشته، بدلیل اختلاف اتحادیه میهنی و جنبش تغییر به

هم به اعتصاب غذای خود پایان داد. کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ضمن تشکر از تمام تشکلهای سازمانهای کارگری و انسانهای شریف و آزاده در داخل و خارج ایران که در این مدت برای بهبود شرایط بهنام تلاش کردند اعلام می دارد که باید همچنان متحد و یک صدا برای آزادی تمامی فعالین کارگری زندانی و کارگران زندانی تلاش کنیم. چهاردهم شهریور ماه ۱۳۹۳

از فروش نفت ماهانه حقوق بخشی از کارمندان دولت را پرداخت نمی کند.

تعدادی در اعتراض به بالا رفتن نرخ بنزین زخمی شدند!

روز دوم سپتامبر برای دومین روز متوالی در بسیاری از شهرهای اقلیم کردستان اعتراض به بالا رفتن نرخ بنزین ادامه داشت و در تکیه تعدادی زخمی شدند. لازم به ذکر است که از ۳۱ آگوست قیمت هر لیتر بنزین از ۸۰۰ دینار به ۹۰۰ دینار افزایش یافت و همین باعث اعتراض مردم بسیاری از شهرها شد و خود احزاب حاکم هم هر یک دیگری را به نقش داشتن در بالا رفتن قیمت بنزین متهم می کنند و از جمله آشتی هورامی اعلام کرد که این خود قباد طالبانی بود که گفت، " مردم دیگر باید به پائین آوردن قیمت بنزین فکر نکنند."*

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما گذشته اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرتون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

چرا باید بمیرم؟



من نمیخواهم بمیرم اینرا به که باید گفت؟

با فقر و نداری بزرگ شدم، بنظرم زمین زیر پایم همیشه تکان میخورد، انگار زمین محکم نیست، انگار موجوداتی که نمی بینمشان نمی گذارند یک نفس راحت بکشم. من سحرم آیا کسی مرا می بیند؟ من یک موجود در هم ریخته و عاصی و تنها و زخم خورده ام؛ هر وقت که به طناب دار فکر میکنم آیا کسی صدای دندانهایم را می شنود

که یک دفعه بهم میخورند؟ آیا کسی میداند پیر شدن در عنفوان جوانی یعنی چه؟ آیا کسی میداند احساس یک محکوم به اعدام در لحظاتی که هوا تاریک میشود کدام است؟ آیا کسی میداند چقدر از مرگ می ترسم، اینرا کسی میتواند بفهمد؟

پدرم، پدر عزیز تر از جانم که میگوید حاضر است همه زندگیش را بفروشد تا من نجات یابم شنیدم دیروز گفت حاضر است بجای من او را اعدام کنند، ای داد و بیداد این چه

دنیایی است؟ مغزم توان بیشتر از این ندارد.

دختری سبک بال بودم که در شرایطی به ازدواج تن دادم و رفتن زیر یک سقف با مردی که در مجموع همدیگر را زیاد درک نمیکردیم به جنجال و هیاهو و آشوب دائمی در خانه و زیر یک سقف با مردی که با او هم خانه شده بودم انجامید و من در دلم و در مغزم و در زندگیم همواره این هیاهو و این سر و صدا را با خود حمل میکردم. تا آن روز هولناک که تیغ یک چاقو را دیدم و وحشت مرگ دست به چاقو بردم و اکنون سالها است که زیر سایه طناب وحشتناک دار زندگی میکنم و هر روز را با این هراس به شب می رسانم. آیا فریاد رسی هست؟

ممکنست همین روزها بگویند فردا و یا پس فردا حاضر باشم برای رفتن به اطاقی که از آنجا وحشت دارم. من نمیخواهم بمیرم اینرا به که باید گفت؟

سحر مهابادی

باز تکثیر از کمیته بین المللی علیه اعدام

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:
Sweden
Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:
Germany
Rosa Mai
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

کانادا:
Canada
ICRC
Scotiabank
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga
L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:
Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:
Bank of America
277 G street Blaine, Wa 98230
phone# 1-360-332-5711
Masoud Azarnoush
Account number : 41581083
checking (99)
wire: ABA routing #026009593
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:
England
Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 ۷۷۹۸۱
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:
0046739868051
سیامک بهاری: markazi.wpi@gmail.com

صفحه بندی: فرزاد کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزاد کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و امکانات برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،
به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!